

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سیامک مهر (پورشجری)

۰۸ مارچ ۲۰۱۸

چند نکته پیرامون مسأله زن در اسلام

(هشت مارچ گرامی باد)

این قلم پیش از این در نوشتاری با عنوان «فاحشگی، مقام زن در اسلام» کوشیده است برای سه پرسش اساسی درباره مسأله زنان، یعنی شغل و حرفه و محل درآمد، سن بلوغ و سن ازدواج و سرانجام دلیل فروپایگی زنان نسبت به مردان در اسلام، پاسخ‌هایی بیابد. این پاسخ‌ها را در اینجا با وضوح بیشتری تکرار می‌کنیم و سپس از مبارزه زنان علیه دشمن اسلامی خواهیم گفت.

- نخست این که از دیدگاه قرآن تنها محل و ممر درآمد زنان و تنها طریق تأمین معاش آنان تن فروشی و ارائه خدمات جنسی است؛ به طوری که در قرآن طنین اجورهن- اجورهن از بانگ الله‌اکبر بلندتر و رساتر است. رمز و اسم شب آن هم در فقه اسلامی از این قرار است: "به مبلغ معلوم و مدت معلوم". در آیت ۶۰ سوره نور از زنان سالخورده که امیدی به زناشوئی ندارند به «ازکارافتاده» یاد شده و به روشنی پیداست که منظور از «کار» فروش سکس و ارائه خدمات جنسی است.

- دوم این که چون اسلام کار و حرفه و شغل زنان را تنفروشی تعیین کرده است - حالا یا با ازدواج دائم و دریافت مهریه و یا از طریق ازدواج موقت و به روش صیغه و توافق ساعتی و زمانی - لذا سن بلوغ و سن ازدواج زنان را تا حد ممکن یعنی به ۹ سالگی کاهش داده‌اند تا دوره و زمان بهره‌برداری جنسی از آنان افزایش یابد. با این تمهید گویا امتیازی هم به زنان تعلق گرفته که آنان می‌توانند از همان خردسالی با فروش سکس به استقلال اقتصادی دست یابند!

- پاسخ سؤال سوم به این صورت است که نگاه اسلام و قرآن به وجود زن به گونه‌ای است که به «فرج» زن اصالت می‌دهد. به عبارت دیگر نگاه اسلام به زن «فرج محور» است و هستی زن را در فرج وی خلاصه می‌کند. در حقیقت اسلام زن را نه انسانی کامل و مستقل همچون مرد، بلکه به مثابه زائده‌ای می‌شناسد که به گراگردد عضو جنسی زنانه شکل یافته است. به همین دلیل مرد هنگام لمس هر نقطه از بدن زن، در واقع با وجود مستقلی به نام «فرج» تماس داشته و این عمل وی حکم جماع دارد و باید تطهیر شود. (مانده ۶) همچنین اصرار اسلام به حجاب زنان و پوشیدن سر و موی خود، تأکیدی است بر ضرورت پوشیدن فرج و نمادی است از حجاب فرج زن که به کل وجود او تعمیم یافته است. از مردان نیز خواسته شده که نگاه خود را از زنان باز بدارند، زیرا هر عضوی از بدن زن چون سر و مو و چهره،

نشانی است از وجود «فرج» و بدان اشاره می‌کند. (نور ۳۰) یکی از کارکردهای حجاب، حفظ و حراست از همین کالای قابل معامله و قابل خرید و فروش است که پیرزنان فاقد آنند. از همین روست که در مورد زنان سالخورده که جذابیت خود را از دست داده‌اند و فرج آنان یعنی در واقع تمام وجودشان از حیز انتفاع ساقط شده است، لزومی به رعایت حجاب و پوشیدن بدن آنان دیده نمی‌شود. (نور ۶۰)

نکته ای از همه مهمتر این که، پستی و فروپایگی زنان در مقایسه با مردان، فقط در این حقیقت قرآنی خلاصه نمی‌شود که ارث و دیه آنان نصف ارث و دیه مردان است و دیه بیضهٔ چپ مرد از دیهٔ کامل یک زن بیشتر است و یا حتی صراحتاً گفته شده «الرجال قوامون علی النساء»... بلکه اساساً حضور و وجود زن بدون مرد و بدون همراهی و پشتوانهٔ مرد، مطلقاً هیچ ارزشی ندارد. به این حقیقت زمانی می‌توان بدرستی پی برد که قرائت دقیقتری از آیت ۲۸۲ سورهٔ بقره داشته باشیم. در این آیت، به جهت گواهی بر یک معامله، هرگز شرط نگذاشته‌اند که چنانچه دو مرد پیدا نشد، لازم است که چهار زن شهادت دهند و نتیجه بگیریم که ارزش زن نصف مرد است؛ بلکه گفته شده است که اگر دو مرد حضور نداشته باشد، می‌باید یک مرد و دو زن شهادت دهند. بیداست که بدون حضور مرد، گواهی هزار زن نیز فاقد ارزش و اعتبار است. تازه اگر از این نکته هم چشمپوشی کنیم، خواهیم دید که ضرورت وجود دو زن به خاطر این نیست که با یک مرد (مرد غایب) برابر می‌شوند، بلکه به این دلیل است که اگر یکی از آنان پیمان کذائی را فراموش کرد، دیگری یادآوری کند. قرآن در اینجا پیشاپیش وجود ضعف و نقصی چون فراموشکاری را در زنان، فطری و مسلم و اثبات شده دانسته است.

مبارزات زنان

بخش عمده‌ای از علل دوام اسلام به سرکوب زنان وابسته است. اسلام بیشترین نیروی خود را از سلب حقوق زنان تأمین می‌کند و ایدئولوژی‌های اسلامی که برای کسب قدرت و حکومت کردن ساخته می‌شوند، از نوع طالبانی و داعشی و نوع جمهوری اسلامی، تماماً بر پایهٔ محدود ساختن حقوق و آزادی‌های زنان بنا شده و قوام یافته است. آخوندها و متولیان اسلام مدعی‌اند که اسلام آنچنان به زنان احترام می‌گذارد و به اندازه‌ای برای آنان ارزش و اهمیت قائل است که سوره‌های از قرآن را به زنان اختصاص داده. این در حالی است که با سورهٔ نساء در حقیقت نخستین خشت‌های بنای حکومت اسلامی، بر اصل محدود کردن و محروم ساختن زنان از حقوق و آزادی‌های طبیعی خود استوار می‌شود. (گذشته از این بهتر است جهت آشنائی با میزان احترامی که اسلام برای زنان قائل است، به این نکته توجه کنیم که مردان، هم بعد از ریدن و هم بعد از این که بدن زنی را لمس کردند، می‌باید وضو بگیرند و خود را پاک کنند! مانده ۶)

نگاه اسلام به زن به اندازه‌ای وحشی و عقب‌افتاده و قرون وسطائی و غیرانسانی است که هیچ مسلمان و ماله‌کشی قادر نیست این حفزه و چالهٔ گود و گشاد را هموار و صاف و صوف کند. بدون شک در دوران مدرن از همین نقطه و به علت همین ضعف، بیشترین ضربه و تخریب متوجه اسلام خواهد شد و دشمن اسلامی هیچ چاره‌ای برای آن در چنته ندارد. مشکل و معضل و مسألهٔ لاینحلی به نام زن، سیاه‌چاله‌ای است که سرانجام کل اسلام را در همه ابعادش به درون خود فرو می‌کشد و مضمحل می‌کند. مسائل زنان در عصر جدید و دوران مدرن بسیار متفاوت‌تر از آن شرایطی است که حتی بزرگترین متفکران اسلامی زمانی به فرض قادر بوده‌اند پیش‌بینی کنند. امروزه برابری زن و مرد و حقوق یک سان آنان و آزادی‌های زنان و استقلال و تسلط زنان بر تن خود، امری است پذیرفته شده و حقوقی است تصاحب شده و برگشت ناپذیر. در دوران مدرن، تلاش و مبارزهٔ زنان کشورهای اسلامی و به ویژه زنان ایران در جهت کسب حقوق و

آزادی‌های انسانی و اجتماعی خود، به آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت زن ستیز و ضد بشر اسلام و به آگاهی عمیق‌تری از محتوای مجرمانه قرآن منجر گردیده است. هر گامی که زنان در اثر مقاومت و مبارزه بی‌امان خود برای کسب حقوق از کف رفته و احترام و ارجمندی و کرامت لگدمال شده خویش توسط اسلام و قرآن به پیش می‌گذارند - نه فقط در جمهوری اسلامی بلکه در سرتاسر جهان اسلام - دشمنان الهی آزادی و متولیان اسلام و قرآن مجبور خواهند شد صد گام به انتهای سوراخ‌های متروک و دفینه‌های تاریک و گورهای ماقبل تاریخ خود عقب نشینی کنند. در دوران مدرن، تقابل زنان با اسلام و قوانین شریعت، تجربه‌ای است جدید که دشمن اسلامی در مقابل آن خود را کاملاً بی‌دفاع یافته و دچار سرگیجه شده است. دشمن اسلامی به رغم هوشیاری بیمارگونه‌ای که در اثر چهارده قرن ستیزه با انسان و آزادی و همچنین قرن‌ها حفاظت و حراست از خود در برابر نابودی قریب‌الوقوع به دست آورده است، اما در برابر شرایط مدرن و متفاوت این دوران، کاملاً آشفته و متزلزل به نظر می‌رسد.

موج جدید آزادی خواهی زنان ایران، جریانی است که به تنهایی قادر است اسلام را در همه حوزه‌ها و زمینه‌ها و ابعادش، اعم از اعتقادی و عبادی و ایمانی و هویتی و قانونی و اخلاقی، با سؤال عمده‌ای روبه‌رو سازد و دگرگون کند. همین روزها شاهدیم که چگونه آیت‌الله‌ها و کارگزاران حکومت اسلامی در برابر نبرد شجاعانه «دختران خیابان انقلاب» علیه حجاب و اصرار زنان به حضور در ورزشگاه‌ها، دست و پای خود را گم کرده و زبانشان به لکنت افتاده و به لاک دفاعی فرو رفته‌اند. (سخنان آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و علی مطهری نایب رئیس مجلس اسلامی و رحمانی فضلی وزیر کشور دولت حسن روحانی در باره پدیده «دختران خیابان انقلاب» گویای این وضع است.) تاکنون دشمن اسلامی مردم ایران، از طریق محدود کردن زنان در واقع کل جامعه را سرکوب و مهار می‌کرده است. به هر شکل و به هر میزان که زنان آزادی‌های انسانی و اجتماعی و حقوق از دست‌رفته خود را بازپس می‌گیرند، به همان شیوه و به همان مقدار، کلیت جامعه در همه حوزه‌ها و عرصه‌های شناخته شده، گشایش‌های تازه‌ای را تجربه خواهد نمود.